

بایسته‌های سلامت اجتماعی جوانان

در سبک زندگی اسلامی و دیدگاه جامعه‌شناسی*

- سیدعلی سجادی‌زاده^۱
- اعظم رحمت‌آبادی^۲
- عاطفه استخری^۳

چکیده

از ابعاد سلامتی انسان، سلامت اجتماعی است که ضرورت آن به خصوص برای نسل جوان که موتور متحرک جامعه هستند، فراوان است. مقوله سلامت اجتماعی جوانان از منظر اسلام، دارای اهمیت فراوانی است و بایسته‌هایی در سبک زندگی اسلامی و از دیدگاه جامعه‌شناسی می‌توان برای این بُعد از سلامت در نظر گرفت. در سبک زندگی اسلامی، فردی را می‌توان دارای سلامت اجتماعی دانست که از الگوی شایسته پیروی کند و دارای امیدواری، انگیزه و نشاط، مسئولیت‌پذیری، تعاون، عدالت‌مندی و رضایت از زندگی باشد، و از دیدگاه جامعه‌شناسی، بایسته‌هایی از جمله همبستگی، انسجام، مشارکت، شکوفایی و پذیرش اجتماعی را برای آن

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۵ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۲۲.

۱. استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی (sajjadizadeh@razavi.ac.ir).

۲. عضو هیئت علمی مؤسسه علمی تحقیقی مکتب نرجس (a_rahmatabady@yahoo.com).

۳. فارغ‌التحصیل سطح ۳ مؤسسه علمی تحقیقی مکتب نرجس (نویسنده مسئول) (estakhri313@gmail.com).

می‌توان برشمرد. در این تحقیق از منابع و اسناد کتابخانه‌ای، نرم‌افزارها و اینترنت بهره برده شده و با روش توصیفی - تحلیلی، سعی شده تا جنبه‌های مختلف موضوع در ابتدا توضیح داده شود و سپس مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: سلامت اجتماعی، امیدواری، نشاط، تعاون، مسئولیت‌پذیری.

مقدمه

سلامت اجتماعی، شرطی ضروری برای ایفای مطلوب نقش‌های اجتماعی است و انسان‌ها در صورتی می‌توانند فعالیت کامل و مؤثر داشته باشند که هم خود را سالم احساس کنند و هم جامعه آن‌ها را سالم بدانند و در حقیقت انسان سالم، محور رشد و تعالی جامعه است (امیدی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۵۸).

در کنار سلامت جسمی و روانی، سلامت اجتماعی قرار دارد و به شناخت فرد از نقش‌های اجتماعی خویش و گرایش وی به پذیرش آن‌ها و کنترل احساسات در جهت مثبت و در نهایت ایفای درست این نقش‌ها در جهت تعامل مؤثر با سایر افراد به گونه‌ای که به رشد فرد و جامعه کمک نماید، اشاره دارد.

از آنجا که انقلاب ما جوان است، اهمیت مقولاتی مانند سلامت اجتماعی برای ما دوچندان است. از سویی ضرورت دولت‌سازی اسلامی در زنجیره تمدن‌سازی اسلامی و واگذاری مسئولیت به جوانان در گام دوم انقلاب ایجاب می‌کند که ایفای نقش توسط جوانانی صورت گیرد که نه تنها خود در سطح بالایی از سلامت در تمام ابعاد قرار دارند، بلکه زمینه را برای ارتقای سلامت اجتماعی سایر مردم هم فراهم کنند.

به نظر می‌رسد جوانی را می‌توان دارای سطح خوبی از سلامت اجتماعی دانست که مسئولیت‌پذیر، عدالتمند و دارای الگوی شایسته، امیدواری، انگیزه و نشاط، تعاون و مشارکت فعال در زندگی اجتماعی بوده و رضایت از زندگی داشته باشد.

اما متأسفانه بایسته‌های سلامت اجتماعی، از سوی دشمنان داخلی و خارجی مورد تهاجم واقع شده است؛ چنان که با معرفی الگوهای نامناسب، عدم واگذاری مسئولیت به جوان، پوشاندن و تحریف حقایق و تاریک و مبهم نشان دادن آینده کشور، سعی در تضعیف انگیزه و ناامیدسازی وی دارند تا نتواند از ظرفیت‌های خود در مسیر رشد و

تعالی بهره‌مند گردد و استعدادهای خویش را شکوفا سازد. لذا اهمیت بررسی سلامت اجتماعی جوانانی که توجه به آن‌ها، توجه به هویت آینده کشور است، ضروری است. با توجه به بررسی‌های انجام شده در زمینه سلامت اجتماعی، روش اکثر نگاشته‌های صورت گرفته که به دلیل جدید بودن این بحث، اکثراً در قالب مقاله هستند، پیمایشی و ابزار گردآوری اطلاعات نیز پرسشنامه بوده است. این جستارها، نقش متغیرهای مختلف را در سلامت اجتماعی بررسی کرده‌اند؛ از جمله مقالات: «سلامت اجتماعی جوانان از منظر اسلام؛ شاخص‌ها و آسیب‌ها» (مریم اسماعیلی)؛ «دین و سلامت اجتماعی: بررسی رابطه دینداری با سلامت اجتماعی» (فیروز راد و دیگران)؛ «بررسی نقش آموزش‌های دینی در سلامت فردی و اجتماعی» (محمدحسن میرزامحمدی و دیگران)؛ «بررسی رابطه سبک زندگی اسلامی با سلامت اجتماعی مردم شهر یزد» (سیدعلیرضا افشانی و دیگران)؛ «مآخذشناسی توصیفی در حوزه سلامت اجتماعی» (زهرة نیک‌خلق احمدی)؛ و کتاب‌های: **مبانی سلامت اجتماعی** (منوچهر محسنی)؛ **مبانی تربیتی سلامت در اسلام** (فاطمه غلامی‌نژاد).

لازم به ذکر است که در دامنه جستجوی گردآورندگان این سطور، تحقیقی که به صورت خاص به معرفی بایسته‌های سلامت اجتماعی جوانان پردازد، یافت نشد. لذا این پژوهش بر آن است تا به بررسی این مسئله پردازد.

۱. مفاهیم

۱-۱. بایسته

بایسته به معنای واجب، لازم و ضروری است (دهخدا، ۱۳۷۳: ۳/۳۷۴۸) و در این تحقیق، مراد ما لوازم سلامت اجتماعی جوانان است که هم برای اصل وجود سلامت اجتماعی و هم ارتقای آن، ضروری هستند.

۲-۱. سلامت اجتماعی

۱-۲-۱. سلامت اجتماعی در لغت

ریشه «سلامت»، سلم است. راغب اصفهانی سلم و سلامت را چنین معنا می‌کند:

«السُّلْمُ وَالسَّلَامَةُ: التعرّي من الآفات الظاهرة» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۲۱)؛ مصون بودن از بیماری ظاهری و باطنی (همو، ۱۳۷۴: ۲/۲۴۷).

«اجتماع»، مصدر و به معنای گرد هم آمدن، و «اجتماعی» به معنای آنچه که ویژه جامعه و آن که فطرتاً علاقمند به زندگی اجتماعی است، می‌باشد (بستانی، ۱۳۷۵: ۱۵).

۲-۲-۱. سلامت و ابعاد آن

سلامت مفهومی وسیع دارد و تعریف آن تحت تأثیر میزان آگاهی و طرز تلقی جوامع با شرایط گوناگون جغرافیایی و فرهنگی قرار می‌گیرد و البته سلامتی روندی پویا دارد و در طی زمان، مفهوم آن متغیر است. بیمار نبودن، قدیمی‌ترین تعریف از سلامتی است. اما از دیدگاه سازمان جهانی بهداشت،^۱ سلامت عبارت است از: «برخوردراری از آسایش کامل جسمی، روانی و اجتماعی و نه فقط نداشتن بیماری و نقص عضو»؛ لذا این تعریف نشانگر ابعاد جسمی، روانی، اجتماعی و جنبه معنوی برای سلامتی است (ر.ک: سام آرام و امینی یخدانی، ۱۳۸۸: ۱۳۵-۱۳۷).

۳-۲-۱. رویکردها در سلامت اجتماعی

سه رویکرد یا تلقی پیرامون بُعد اجتماعی سلامت وجود دارد: رویکرد اول: سلامت اجتماعی به مثابه جنبه‌ای از سلامت فرد در کنار سلامت جسمی و روانی؛

رویکرد دوم: سلامت اجتماعی به مثابه شرایط اجتماعی سلامت بخش؛ رویکرد سوم: سلامت اجتماعی به مثابه جامعه سالم (سمعی و دیگران، ۱۳۸۹: ۳۳). آنچه در این تحقیق مورد نظر است، رویکرد اول می‌باشد. البته لازم به ذکر است که این تلقی‌ها ارتباط تنگاتنگی با هم دارند.

۴-۲-۱. سلامت اجتماعی در اصطلاح

تعاریفی که برای سلامت اجتماعی مطرح شده، بدین‌قرار است: «سلامت اجتماعی به معنای ارزش‌گذاری شرایط یک فرد و کارایی او در جامعه و

1. Who.

در واقع، ارزیابی شرایط و کار فرد در جامعه است» (ر.ک: افشانی و دیگران، ۱۳۹۳: ۸۸-۸۹). «سلامت اجتماعی، به توانایی فرد در تعامل مؤثر با دیگران و اجتماع به منظور ایجاد روابط ارضاکننده شخصی و به انجام رساندن نقش‌های اجتماعی اطلاق می‌شود» (سام‌آرام و امینی یخدانی، ۱۳۸۸: ۱۳۷).

«سلامت اجتماعی به شبکه ارتباطی فرد با اطرافیان در قالب همکاری، تعامل، همیاری، همدلی و همراهی می‌پردازد؛ اینکه فرد جایگاه مناسب و مطلوب و تأثیرگذاری را در شبکه‌های ارتباطی گروهی (دست کم دو نفر) با سایر افراد جامعه می‌یابد و با قرار گرفتن در این شبکه ارتباطی، هم خود او سود ببرد و هم وجودش برای دیگران، منشأ اثرات مثبت و حمایت اجتماعی باشد. رسیدن به این جایگاه تعیین‌کننده و مثبت، نیازمند به دستیابی فرد به شرایط تأمین رفاه جسمانی و روان‌شناختی اوست و نیازمند وجود اجتماع و جامعه‌ای است که خود از شرایط سلامت اجتماعی برخوردار باشد؛ یعنی جامعه‌ای میرا از نابرابری و تبعیض و طرد و تجاوز به حقوق انسانی» (بررسی سلامت اجتماعی...، ۱۳۹۶: ۴۹).

کیز^۱ مهم‌ترین و اثرگذارترین نظریه‌پرداز حوزه سلامت اجتماعی در سطح خرد است. او سلامت اجتماعی را عبارت از چگونگی ارزیابی فرد از عملکردش در برابر اجتماع می‌داند. از نظر کیز، فردی از سلامت اجتماعی برخوردار است که اجتماع را به صورت یک مجموعه معنادار، قابل فهم و بالقوه مفید برای رشد و شکوفایی بداند و احساس کند که به جامعه تعلق دارد، از طرف جامعه پذیرفته می‌شود و در پیشرفت آن سهم است (امیدی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۶۴).

«سلامت اجتماعی به چگونگی وضعیت ارتباط فرد با دیگران در جامعه اشاره، و بر ابعادی از سلامت تأکید دارد که مربوط به ارتباط فرد با افراد دیگر و جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کند و دربرگیرنده عواملی است که در کنار یکدیگر، نشانگر کمیت و کیفیت عمل افراد در زندگی اجتماعی است» (شربتیان و علیزاده خانقاهی، ۱۳۹۴: ۱۶۶-۱۶۷). قبل از اشاره به تعریف مختار، توجه به این نکته مناسب است که در تعاریف بالا،

گاهی به هدف سلامت اجتماعی اشاره شده و گاهی رویکردهای دیگر سلامت اجتماعی هم در تعریف لحاظ شده و برخی تعاریف نیز ناظر به بایسته‌های سلامت اجتماعی تنها از دیدگاه جامعه‌شناسی است.

همچنین تمرکز بعضی از آن‌ها بر بُعد بینشی، و بعضی دیگر بر تعامل مؤثر و در واقع در فضای گرایشی و کنشی مشهود است و این در حالی است که اسلام علاوه بر مطرح کردن بینش‌ها و گرایش‌های لازم، راه حل برای کنش‌ها هم مطرح نموده و بستر آن را در قالب حکومت دینی نیز فراهم کرده است.

تعریفی که ما در این تحقیق مدنظر داریم، چنین است: «شناخت فرد از نقش‌های اجتماعی خویش و گرایش وی به پذیرش آن‌ها و کنترل احساسات در جهت مثبت و در نهایت ایفای درست این نقش‌ها در جهت تعامل مؤثر با سایر افراد، به گونه‌ای که به رشد فرد و جامعه کمک نماید».

۳-۱. جوان

۱-۳-۱. مفهوم لغوی جوان

دو تعبیر رایج در فرهنگ عربی در مورد جوان وجود دارد (ر.ک: محمدی ری‌شهری و غلامعلی، ۱۳۸۹: ۱۴)؛ اولی، تعبیر به «فتی» که از ریشه «فتی/فتو» (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۱۳۷) و به معنای طراوت و شادابی است، و دیگری، تعبیر «شاب» از ریشه «شَب» (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ۹۲/۲)، به معنای شکوفایی و برخورداری از حرارت است (ر.ک: محمدی ری‌شهری و غلامعلی، ۱۳۸۹: ۱۴).

واژه «شاب» در زبان عربی به معنای جوانی و آغاز چیزی است و برای بیان دوره خاص به کار می‌رود و «فتی» به معنای تازه‌جوان، بزرگوار، کریم، سخاوتمند، برده، و... آمده است و صفت برای کسی است که در آن دوره قرار دارد. در زبان فارسی، «جوانی» و «جوان» از مفاهیمی هستند که معادل آن دو «شاب و فتی» به کار گرفته می‌شوند (صداقت، ۱۳۸۷: ۲۳).

واژه «جوان» در لغت‌نامه دهخدا به معنای برنا، هر چیز که از عمر آن چندان نگذشته باشد، شاب و مقابل پیر، معنا شده است (دهخدا، ۱۳۷۳: ۵/۶۹۳۰).

واژه «جوانی» نیز اشاره به مرحله‌ای از زندگی انسان‌ها دارد که در آن، قوای جسمی و روحی بشر در بالاترین درجه و استعداد خود قرار دارد و به عبارت دیگر، تمامی استعدادهای درونی و بیرونی انسان، در اوج شکوفایی و ثمردهی است (بهرامی، ۱۳۸۴: ۱۳-۱۴).

۱-۳-۲. مراحل زندگی از نگاه قرآن

در قرآن کریم، مراحل زندگی از نظر توانمندی به سه دوره تقسیم شده که در آیات زیر مورد اشاره قرار گرفته است (محمدری شهری و غلامعلی، ۱۳۸۹: ۱۶):

﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ﴾ (روم/۵۴)؛ خدا همان کسی است که شما را آفرید، در حالی که ناتوان بودید. آنگاه پس از ناتوانی قوت بخشید و سپس بعد از توانمندی، ناتوانی [و پیری] قرار داد. او هر چه بخواهد، می‌آفریند، و هم اوست دانای توانا.

﴿ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخًا﴾ (غافر/۶۷)؛ سپس شما را به صورت نوزادی [از شکم مادر] بیرون می‌فرستد تا به کمال نیرومندی خود برسید، سپس تا پیر شوید.

دوران کودکی و پیری، دوران ناتوانی است و دوره جوانی، دوران توانمندی است که کمال نیرومندی و قوت انسان در آن است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِذَا زَادَ الرَّجُلُ عَلَى الثَّلَاثِينَ فَهُوَ كَهْلٌ وَإِذَا زَادَ عَلَى الْأَرْبَعِينَ فَهُوَ شَيْخٌ» (ابن شعبه جزئی، ۱۳۶۳: ۳۷۰)؛ هر گاه عمر مرد از سی سال گذشت او «میانسال» است، و چون از چهل گذشت «پیر» است (همو، ۱۳۸۱: ۳۴۸).

مفهوم این سخن، آن است که دوران جوانی با بلوغ، یعنی پانزده سالگی، آغاز می‌شود و تا سی سالگی ادامه دارد.

در اینجا ذکر دو نکته ضروری است؛ اولاً تعریف دوران جوانی ممکن است در اعصار مختلف تاریخ متفاوت باشد، و ثانیاً جوانی در افراد مختلف نیز متفاوت است. در جمع‌بندی آنچه گذشت، می‌توان گفت که مراد ما در این بحث از دوران جوانی، دوران رشد، شکوفایی، شادابی و گرمی زندگی است (ر.ک: محمدری شهری و

۴-۱. سبک زندگی اسلامی

«سبک زندگی اسلامی» اشاره به شیوه‌ای از زندگی دارد که کتاب الهی، منبع اصلی استخراج آن و بر مبنای عملی است که در جهت عمل به قوانین الهی انجام می‌شود. از مهم‌ترین معیارهای این سبک زندگی می‌توان به خدامحوری و حاکمیت ارزش‌های اسلامی در زندگی اشاره کرد و در واقع، زندگی فردی و اجتماعی افراد باید مبتنی بر اسلام و رهنمودهای قرآنی باشد.

در این سبک از زندگی، انسان به طور طبیعی مدلی را در زندگی فردی و اجتماعی خود مطلوب می‌داند که بیشترین هماهنگی را برای دستیابی به قرب الهی داراست، و تقرب به خدا و لقاءالله را هدف نهایی خود می‌بیند. از این رو، همه شئون زندگی خود از نماز و عبادت تا کسب و کار، تحصیل، تفریح، معاشرت، بهداشت، خوراک، معماری، هنر، سخن گفتن، تولید، مصرف، آراستگی ظاهری و امثال آن را در مسیر این هدف قرار می‌دهد.

چارچوب این سبک زندگی از سوی پروردگاری ترسیم شده که خالق عالم و آدم، و آگاه به ابعاد وجودی و نیازها و خواسته‌های اوست. پس به اقتضای حکمت الهی، نیازهای انسان‌ها در تمام ابعاد در این سبک زندگی لحاظ شده است (ر.ک: افشانی و دیگران، ۱۳۹۳: ۸۶ و ۸۸).

۲. جایگاه و اهمیت سلامت اجتماعی جوان از منظر اسلام

ریشه مشترک «سلم» در عناوین دین مبین اسلام و سلامت، بیانگر ارتباط ماهوی این دو مفهوم است. واژه سلام در معنای عافیت به صورت منفرد و یا در ترکیب با کلمات دیگر، ۳۳ بار در قرآن کریم^۱ تکرار شده است (صفی‌خانی، ۱۳۸۶: ۲۳۶). از نظر اسلام، پیش‌نیاز حرکت فرد و جامعه در مسیر کمال، سلامتی و آگاهی و

۱. برای نمونه: «يَهْدِي بِهٖ اللّٰهُ مَنۡ اَتَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ» (مائده / ۱۶)؛ «وَاللّٰهُ يَدْعُوۡا اِلَى دَارِ السَّلَامِ» (یونس / ۲۵)؛ نیز ر.ک: انعام / ۱۲۷؛ انبیاء / ۶۹؛ نمل / ۵۹؛ ق / ۳۴).

تأمین نیازهای اولیه مادی انسان است. همچنین به اهتمام مسلمانان نسبت به سرنوشت دیگران و تلاش برای حل مشکلات یکدیگر توصیه شده و از سویی بی تفاوتی نسبت به دیگران نکوهیده شده است (ر.ک: همان: ۲۳۹)؛ چنان که امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ با اشاره به مسئولیت افراد نسبت به همدیگر می‌فرماید:

«اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَبِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبَقَاعِ وَالْبَهَائِمِ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴: ۲۴۲)؛ در مورد بندگان خدا و شهرهایش تقوای الهی را رعایت کنید؛ زیرا شما حتی نسبت به زمین‌ها و حیوانات نیز مسئول هستید... (نهج البلاغه، ۱۳۹۲: ۳۶۱ و ۳۶۳).

بالا تر از مسئولیت در مقابل دیگران، امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ از پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می‌کند که مسلمانی در گرو این توجه به امور دیگران است:

«مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۶۳/۲)؛ هر که صبح کند و به امور مسلمین همت نگمارد، مسلمان نیست (همو، ۱۳۶۹: ۲۳۸/۳).

طبق نظر اسلام، جامعه انسانی همچون سایر مخلوقات الهی، تحت سنن و قوانین معینی به حیات خویش ادامه می‌دهد و سنت برادر بودن مؤمنان با همدیگر و اصل عدالت، از اهم مصادیق سنن اجتماعی است که قرآن کریم به آن‌ها اشاره نموده است و در واقع از اعجازهای اجتماعی قرآن کریم محسوب می‌شود.^۱

قرآن اخوت و برادری را به عنوان اصلی‌ترین مسئله‌ای که در پیوند اجتماعی انسان‌ها مطرح است، بیان می‌دارد (ایروانی و حسینی زیدی، ۱۳۹۲: ۷۱-۹۶): «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَابِكُمْ»^۲. جمله «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» یکی از شعارهای اساسی و ریشه‌دار اسلامی است؛ شعاری بسیار گیرا، عمیق، مؤثر و پر معنا.

اسلام سطح پیوند علایق دوستی مسلمانان را به قدری بالا برده که به صورت

۱. اعجاز اجتماعی قرآن به این معناست که قرآن در زمینه‌های اجتماعی، نظریه‌ها و دیدگاه‌هایی را مطرح کرده که قبل از قرآن سابقه نداشته و با عقل و فنون آن زمان، قابل دستیابی نبوده و بعد از مدت‌ها به این مطالب و لطایف قرآن پی برده شده است. از دیگر موارد و مصادیق اعجاز اجتماعی قرآن در زمینه قوانین و سنن اجتماعی می‌توان به سنت فراگیری آثار اعمال، سنت ظهور و سقوط امت‌ها، سنت ارسال رسل، سنت پیروزی حق بر باطل، سنت مجازات، سنت مهلت دادن و سنت عبرت‌آموزی اشاره نمود (برای مطالعه بیشتر ر.ک: ایروانی و حسینی زیدی، ۱۳۹۲: ۷۱-۹۶).

۲. «مؤمنان برادر یکدیگرند؛ بنابراین میان دو برادر صلح برقرار سازید» (حجرات / ۱۰).

نزدیک‌ترین پیوند میان دو انسان با یکدیگر، آن هم پیوندی بر اساس مساوات و برابری، یعنی مانند علاقه دو برادر نسبت به یکدیگر مطرح می‌کند. روی این اصل مهم اسلامی، مسلمانان از هر نژاد و هر قبیله و هر زبان و در هر سن و سالی، با یکدیگر احساس عمیق برادری می‌کنند؛ هرچند یکی در شرق جهان زندگی کند و دیگری در غرب. به تعبیری دیگر، اسلام تمام مسلمان‌ها را در حکم یک خانواده می‌داند و همه را خواهر و برادر یکدیگر خطاب می‌کند، نه تنها در لفظ و در شعار که در عمل و تعهدهای متقابل نیز همه خواهر و برادرند.

در روایات اسلامی نیز روی این مسئله تأکید فراوان شده و جنبه‌های عملی آن ارائه گردیده است؛ برای نمونه به یک حدیث پرمحتوا اشاره می‌شود (همان: ۷۱-۹۶). امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ كَالْجَسَدِ الْوَاحِدِ إِنْ اشْتَكَى شَيْئًا مِنْهُ وَجَدَ أَلَمَ ذَلِكَ فِي سَائِرِ جَسَدِهِ...» (صدوق، ۱۴۰۲: الف: ۴۸)؛ مؤمن برادر مؤمن است، چون یک تن که اگر یکی از اندام آن به درد آید، دیگر اعضا نیز رنج می‌بینند... (همو، ۱۴۰۲: ب: ۴۹).

از سویی، دین مبین اسلام برای عوامل اجتماعی تهدیدکننده سلامت، مانند فقر، جهل و نادانی، تفرقه، ظلم، خشونت، خیانت، تبعیض جنسی و پیمان‌شکنی که همواره ذخیره سلامتی فرد و جامعه را مورد مخاطره قرار داده‌اند، راهکارهای مناسب معرفی کرده است (ر.ک: صفی‌خانی، ۱۳۸۶: ۲۳۹)؛ برای مثال، قرآن کریم در زمینه مبارزه با جهل و نادانی، ارتقای دانش را بیان می‌کند: «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» (مجادله / ۱۱)؛ خداوند آن‌ها را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که از علم بهره دارند، درجات عظیمی می‌بخشد.

همچنین برای جلوگیری و مبارزه با ظلم، متذکر بحث عدالت‌محوری می‌شود: «اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى» (مائده / ۸)؛ عدالت کنید که به پرهیزکاری نزدیک‌تر است.

در واقع، قرآن اصل عدالت را به عنوان زیربنای همه قوانین اجتماعی پذیرفته است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقِيمُوا النَّاسَ بِالْقِسْطِ» (حدید / ۲۵)؛ ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آن‌ها کتاب [آسمانی] و میزان [شناسایی حق و قوانین عادلانه] نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند.

این آیه به یکی از اهداف متعدد ارسال پیامبران اشاره می‌کند. نکته جالب در جمله ﴿لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾ این است که از خودجوشی مردم سخن می‌گوید. نمی‌فرماید: هدف این بوده که انبیا انسان‌ها را وادار به اقامه قسط کنند؛ بلکه می‌گوید: هدف این بوده که مردم، مجری قسط و عدل باشند! مهم این است که مردم چنان ساخته شوند که خود مجری عدالت گردند و این راه را با پای خویش بپویند (ایروانی و حسینی زبیدی، ۱۳۹۲: ۹۶-۷۱).

انسان‌ها را دعوت به همبستگی و یکپارچگی اجتماعی می‌نماید: ﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ (آل عمران / ۱۰۳)؛ و همگی به ریسمان خدا [قرآن و اسلام و هر گونه وسیله ارتباط دیگر] چنگ زبید و پراکنده نشوید. ﴿وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا﴾ (انفال / ۴۶)؛ نزاع [و کشمکش] مکنید تا سست نشوید.

همچنین سفارش به وفای عهد و امانت‌داری می‌کند: ﴿أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا﴾ (اسراء / ۳۴)؛ و به عهد [خود] وفا کنید که از عهد سؤال می‌شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«حَسُنَ الْعَهْدُ مِنَ الْإِيمَانِ» (ابن شعبه حزان، ۱۳۶۳: ۴۸)؛ به درستی که نیکویی عهد و پیمان از ایمان است [یعنی وفا کردن به آن و رعایت کردن آن] (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۴۸۷/۲، شرح خوانساری).

همچنین در زمینه تعدیل ثروت، دستورالعمل‌های اسلام برای بازتوزیع ثروت در احکام خمس و زکات و توزیع عادلانه اموال عمومی (انفال)، تشویق به احسان و منع کسب مال حرام (رشوه و رباخواری و...) بسیار جامع و راهگشاست (ر.ک: صفی‌خانی، ۱۳۸۶: ۲۳۹-۲۴۰).

از سویی بر مبارزه با فساد و دعوت به عمل صالح تأکید دارد: ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ (آل عمران / ۱۰۴)؛ باید از میان شما جمعی دعوت به نیکی کنند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و آن‌ها رستگاران‌اند.

انسان‌ها را دعوت به صلح‌جویی می‌نماید: ﴿وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا﴾ (انفال / ۶۱)؛ و اگر تمایل به صلح نشان دهند، تو نیز از در صلح در بیا.

به شدت به مبارزه با تبعیض جنسیتی برمی خیزد: ﴿وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ﴾ (تکویر/۹-۸)؛ و در آن هنگام که از دختران زنده به گور شده سؤال شود که به کدامین گناه کشته شدند؟! (ر.ک: همان).

با توجه به آنچه گذشت، می توان به تأکید اسلام بر بحث سلامت اجتماعی پی برد و در این بین، اهمیت این امر در مورد جوانان مضاعف است؛ زیرا دارای ظرفیت های ویژه ای هستند و ساختن آینده جامعه نیز به دست آنهاست.

بحث از اهمیت دوره جوانی است؛ دوره ای که فصل شیرین حیات است و نشاط، شادابی، تلاش، احساس نیرو و نوگرایی، فضیلت جویی و... در آن جلوه می کند.

در اسلام، تکلیف پذیری از این دوره شروع می شود و جوان، مربی خویش و عهده دار مهم ترین رسالت الهی می گردد و اولین گام های تکلیف را تجربه می کند و همان گونه که در درون و اخلاق باید حد وسط را رعایت کند، در بیرون هم با آغاز تکلیف و واگذاری جوان در تمام امور و فعالیت های زندگی، به طور رسمی حضور او در اجتماع پذیرفته می شود و می تواند به فعالیت های مستقل اقتصادی و همکاری در جامعه پردازد؛ همکاری با فقرا شروع می شود، شخص تازه به تکلیف رسیده خمس و زکات می پردازد و در کنکور الهی قبول می شود و از این پس باید راه را از چاه تشخیص بدهد (ر.ک: صداقت، ۱۳۸۷: ۵۵-۵۷).

۳. بایسته های سلامت اجتماعی جوانان

سلامت اجتماعی دارای بایسته هایی است که در صورت گرد هم آمدن آنها، می توان جوان را دارای سلامت اجتماعی دانست.

دین اسلام که به تمام ابعاد وجودی انسان توجه، و برای آنها برنامه دارد، به روابط اجتماعی و تعاملات فرد، توجهی ویژه دارد؛ چنان که توصیه های مهمی در جهت همکاری، همیاری و همدلی، مسئولیت پذیری، مشارکت در زندگی اجتماعی، امیدواری و نشاط و عدالت مندی و... دارد.

در ادامه سعی داریم به برخی از مهم ترین بایسته های سلامت اجتماعی جوانان در سبک زندگی اسلامی پردازیم؛ همچنین با توجه به نظریه جامعه شناسی کیز، به بایسته ها

و عواملی از جمله شکوفایی اجتماعی، انطباق اجتماعی، انسجام اجتماعی و... که در کنار یکدیگر نشانگر کمیت و کیفیت عمل افراد در زندگی اجتماعی هستند، اشاره کنیم.

۳-۱. در سبک زندگی اسلامی

سبک زندگی اسلامی به دلیل جامعیت دین مبین اسلام، مؤلفه‌های اجتماعی را نیز در بر می‌گیرد. مؤلفه اجتماعی به وظایفی اشاره دارد که فرد در ارتباط با دیگران، فراتر از خود و خانواده خود انجام می‌دهد.

در این بین از میان مؤلفه‌های اجتماعی، یکی از مهم‌ترین مفاهیمی که به ارزیابی نحوه عملکرد فرد در جامعه می‌پردازد و به نظر می‌رسد که متأثر از نگرش‌ها و سبک زندگی انسان‌ها باشد، سلامت اجتماعی^۱ است (ر.ک: افشانی و دیگران، ۱۳۹۳: ۸۶ و ۸۸). در ادامه به اختصار، به مهم‌ترین بایسته‌های سلامت اجتماعی جوانان در سبک زندگی اسلامی اشاره می‌کنیم.

۳-۱-۱. پیروی از الگوهای شایسته

انسان به گونه‌ای است که گویا الگوپذیری در متن خلقت او نهاده شده است؛ او متأثر از شخصیت دیگران می‌گردد و خوی و مرام دیگران را به خود می‌گیرد (ر.ک: وطن‌دوست و دیگران، ۱۳۹۴: ۴۰/۱-۴۱).

در تعالیم دینی هم سفارش شده که مردم ائمه اطهار علیهم‌السلام را الگو قرار دهند. در قرآن، پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم الگوی حسنه معرفی شده^۲ و حضرت نیز همگان را به الگوگیری از اهل بیت علیهم‌السلام فرا خوانده (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۵: ۳۴) و فرموده است:

«... أَهْلُ بَيْتِي يُفَرِّقُونَ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ وَهُمْ الْأَيْمَةُ الَّذِينَ يُقْتَدَى بِهِمْ...» (صدوق، بی‌تا: ۵۴۷/۲)؛ ... خاندان من حق و باطل را از هم جدا می‌کنند و آنان‌اند پیشوایانی که باید از آنان پیروی نمود....

1. Social health.

۲. «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب / ۲۱)؛ قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سرمشقی نیکوست، برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند.

در این میان، اهمیت انتخاب الگو به ویژه برای جوانان که آمادگی بیشتری برای آموختن دارند و فطرت پاک و روح لطیف ایشان، بهتر پذیرنده سخن حق است، بر کسی پوشیده نیست؛ چنان که امام علی ع‌الیه‌السلام می‌فرماید (ر.ک: محمدی ری‌شهری و غلامعلی، ۱۳۸۹: ۱۹):

«... إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالأَرْضِ الْخَالِيَةِ، مَا أَلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ...» (حز عاملی، ۱۴۰۹: ۲۱/۴۷۸)؛ قلب جوان مانند زمین خالی است، هر چه در آن افکنده شود، می‌پذیرد.

همچنین امام صادق ع‌الیه‌السلام برای تبلیغ مکتب اهل بیت علیهم‌السلام به ابوجعفر احوال چنین توصیه می‌فرماید:

«عَلَيْكَ بِالْأَحْدَاثِ فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ» (حمیری، ۱۴۱۳: ۱۲۸)؛ بر شما باد نسبت به جوانان که ایشان به هر خیری شتابان‌تر هستند.

لذا با توجه به اثرپذیری جوانان و روحیه تقلید قوی در ایشان، باید این روحیه را در مسیر صحیح هدایت کرد؛ زیرا تقلید دو گونه است: تقلید بدون دلیل و تقلید از روی آگاهی و خرد. تقلید بدون دلیل و کورکورانه، شایسته مقام انسانی نیست. اما تقلید خردورزانه و از روی منطق، باعث پیشرفت، کمال و در واقع اسوه قرار دادن نیکان و تلاشگران است (ر.ک: مؤسسه پیام امام هادی ع‌الیه‌السلام، ۱۳۸۹: ۲۲-۲۳).

با توجه به مطالب مذکور، لازم است که به تعریف دقیق مفهوم الگو بپردازیم. «الگو» در لغت به معنای «سرمشق، مقتدا، اسوه، قدوه، مثال، نمونه» (دهخدا، ۱۳۷۳: ۲/۲۷۷۹)، و در اصطلاح نمونه کاملی است که آن را قالب قرار می‌دهند تا مانند آن را بسازند. الگوی انسانی همان شخصیتی است که انسان می‌خواهد در پیمودن راه طولانی، او را پیشگام قرار دهد و مانند او مسیر زندگی را بپیماید و قدم در جای پای او بگذارد (صداقت، ۱۳۸۷: ۱۴۱-۱۴۲).

اگر جوان از الگوهایی سرمشق پذیرد که دارای بیشترین سلامت اجتماعی و در تعاملات و روابط اجتماعی‌شان موفق باشند، می‌تواند سطح سلامت اجتماعی خود را بالا ببرد و تعاملات مؤثری با دیگران و اجتماع داشته باشد و نقش‌های اجتماعی را با بهترین کیفیت به انجام رساند.

۲-۱-۳. نشاط و امیدواری، نگاه مثبت به جامعه و رضایت از زندگی

از مهم‌ترین بایسته‌ها در سلامت اجتماعی جوانان، وجود انگیزه، شادابی و نشاط است (بررسی سلامت اجتماعی...، ۱۳۹۶: ۴۹). شادمانی و نشاط از عنصرهای مفید و باارزش برای زندگی است؛ به گونه‌ای که در آموزه‌های روان‌شناختی و دینی مورد توجه ویژه قرار گرفته و به آن عنایت خاصی شده است. برخورداری از چهره‌ی شاد و بشاش و امیدوارانه از ویژگی‌های مؤمنان شمرده شده است (ر.ک: نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۳). در پرتو شادی و نشاط، زندگی دنیایی، طراوت و پویایی ویژه‌ای پیدا می‌کند و روح امید و پیشرفت در انسان دمیده می‌شود (پناهی، ۱۳۸۸: ۱۶).

اگر کسی در زندگی از یک جهان‌بینی صحیح و منطقی برخوردار باشد و برای خود هدف و انگیزه داشته باشد، به طوری که تمام زندگی‌اش را در راستای رسیدن به آن هدف ببیند، قطعاً از نشاط عمیق و دائمی برخوردار خواهد بود. بسیاری از افسردگی‌ها و احساس‌های منفی انسان، به نداشتن انگیزه در زندگی برمی‌گردد و انگیزه به نوبه خود از هدف برمی‌خیزد.

اگر زندگی ما دارای هدف مقدسی نباشد، هرگز نمی‌توان انتظار نشاط طولانی از آن داشت؛ اما اگر سعی کنیم به طور جدی به بازسازی افکار و شناخت خود بپردازیم و بتوانیم شناخت درستی از جهان و زندگی بیابیم و آن را جایگزین افکار نادرست کنیم، مشاهده خواهیم کرد که نشاط و شادی و انرژی جوانی در ما به اندازه‌ای به وجود می‌آید که تا پایان عمر، ما را همراهی می‌کند و به مرحله‌ای می‌رسیم که هیچ چیز و هیچ کس نمی‌تواند ما را غمگین کند. طبق تعالیم قرآنی، یاد خدا و دل بستن به خدا و رسیدن به کمال انسانی که در بندگی خداست، آرامش‌دهنده قلب آدمی است که طوفان‌های سهمگین حوادث، هرگز قادر نیست کوچک‌ترین تزلزلی در آن ایجاد کند. به همین جهت، قرآن درباره اولیای خدا و کسانی که جز رسیدن به خدا هدفی ندارند (رجبی، ۱۳۸۴: ۵۲-۵۳)، می‌فرماید: ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (احقاف/۱۳)؛ کسانی که گفتند پروردگار ما الله است، سپس استقامت به خرج دادند، نه ترسی برای آنهاست و نه غمی دارند.

در توضیح بیشتر باید گفت که روح و صفات روحی انسان در عین استفاده از عالم

مادی، دارای سیر معنوی است و با عالم غیب ارتباط دارد و در صورت حفظ این ارتباط و سیر در عالم معنا می‌تواند نشاط روحی را روزبه‌روز افزایش دهد و این مهم تنها در سایه پرستش، اطاعت و بندگی خداوند متعال امکان دارد؛ زیرا شادابی و نشاط، خصلت‌های روحی انسان هستند و روح آدمی نشئت گرفته از روح پروردگار عالمیان است: ﴿وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي﴾ (حجر/ ۲۹)؛ و در او از روح خویش دمیدم.

لذا با حفظ این ارتباط معنوی بین خالق و مخلوق، انسان می‌تواند روح و روانی سالم داشته باشد و تا هر زمان که این ارتباط و راز و نیاز با آفریدگار هستی ادامه یابد، آن شادابی و نشاط و شور و صفا برقرار خواهد بود (ر.ک: بهرامی، ۱۳۸۴: ۱۹-۲۰)؛ همانند چراغی که هر آن باید به مرکز نور متصل، و تمام حرکات و فعالیت‌های آن در پرتو این نور باشد (دین‌پرور، ۱۳۹۴: ۴۴).

توجه به این نکته لازم است که نشاط جوانان باعث پویایی جامعه می‌گردد؛ زیرا جوانان در حکم موتور پیشران جامعه هستند.

امید و آرزو از سرفصل‌های ضروری زندگی است؛ به گونه‌ای که هیچ انسانی بدون امید و دلخوشی به آینده، نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد.

همچنین تلاش و کوشش مرهون امید است و لذا یکی از خطرناک‌ترین بیماری‌ها که سلامت انسان را از بین می‌برد، یأس و ناامیدی است؛ چنان که یأس از رحمت الهی بزرگ‌ترین گناه است و خداوند بی‌نیاز قادر، بندگان گنهکار خود را از ناامیدی برحذر می‌دارد: ﴿يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ﴾ (زمر/ ۵۳). خداوند و پیامبران الهی و مکتب دین، نور امید و شادی را در دل‌ها می‌افکند و به عکس، شیطان و پیروانش در هر زمان، ناامیدی و بدبینی را تبلیغ و ترویج می‌نمایند (ر.ک: همان: ۶۷-۶۸).

همچنین امید وافر به زندگی و آینده‌ای درخشان از عوامل مهم در موفقیت انسان است؛ تا انسان امید به آینده‌ای مطلوب را در دل نداشته باشد، نمی‌تواند از جهت روحی اقتناع شود و پشتکار لازم را در راه رسیدن به مقصود و هدف به خرج دهد. امید

۱. ای بندگان من که بر خود اسراف و ستم کرده‌اید! از رحمت خداوند نومید نشوید.

باعث بهره‌مندی انسان از تمامی ظرفیت‌های روحی و جسمی‌اش می‌گردد.

در بهار عمر و رشد مادی و معنوی، یعنی جوانی، امید می‌تواند نقش کلیدی در اعمال و رفتار آدمی ایفا کند، استعدادهای جوان را شکوفا سازد، اعتماد به نفس او را زیاد نماید، آینده‌اش را روشنی ببخشد، خیالات غیر واقعی و وسوسه‌های شیطانی را از بین ببرد و دورنمایی روشن را جلوی جوان بگذارد.

لذا اهمیت روحیه امیدواری در جوانی مضاعف است و امید نیز تنها باید به خداوند قادر متعال باشد؛ چون هر چه غیر از خداست، واسطه است و تمام واسطه‌ها را او ایجاد می‌کند و همه در گرو مشیت الهی هستند (ر.ک: بهرامی، ۱۳۸۴: ۷۶-۷۷). ﴿وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾ (طلاق / ۳)؛ هر کس بر خدا توکل کند، او برای وی بس است.

از سویی، تصویر مثبت از جامعه هم باعث می‌شود فرد در هر موقعیتی که قرار گیرد، برای بهبود وضعیت خویش از طریق شیوه‌های قانونی تلاش کند. فرد در این حالت، جامعه و نظام حاکم بر آن را در برابر خود مسئول می‌داند و معتقد است که مشکلات با تلاش‌های فردی او در بستر سالمی که دارد، قابل رفع است. لذا حس پیشرفت و پویایی در او زنده است (بررسی سلامت اجتماعی...، ۱۳۹۶: ۴۹).

رضایت از زندگی بیانگر نگرش مثبت فرد نسبت به جهانی است که در آن زندگی می‌کند و در واقع همان احساس خوشنودی است (سجودی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۹).

زندگی در اندیشه دینی، مزرعه آخرت و خاستگاه رسیدن به کمال اخروی است. گروهی به غلط، دین را «زندگی ستیز» می‌دانند و گروهی به اشتباه «زندگی پرست» می‌شوند و ممکن است آنانی که از تفکر زندگی ستیزی جدا می‌شوند، به دامان زندگی پرستی درافتند. دین نه زندگی ستیز است و نه زندگی پرست؛ بلکه زندگی را بستر تکامل و مقدمه آخرت می‌داند. بنا بر آنچه گفتیم، زندگی موفق زندگی‌ای است که توأم با رضایت و خرسندی باشد. اگر زندگی بستر تکامل است، رضامندی هم شرط موفقیت در زندگی است. کسانی می‌توانند به تکامل بیندیشند که با زندگی خود، مشکل نداشته باشند. میان «مشکل داشتن در زندگی» با «مشکل داشتن با زندگی» تفاوت وجود دارد. همه انسان‌ها در زندگی مشکل دارند؛ اما انسان موفق کسی است که با زندگی‌اش مشکل نداشته باشد و این یعنی رضامندی از زندگی. برای رسیدن به

موفقیت باید به رضامندی رسید (پسندیده، ۱۳۹۳: ۷).

تحقیق‌ها نشان می‌دهد که سطح شادی هر فرد را کیفیت رضایت او از جریان کلی زندگی تعیین می‌کند؛ یعنی هر چه انسان از زندگی و اتفاق‌های آن راضی باشد، شادتر خواهد بود و اگر اتفاق‌های گوناگون موجب از بین رفتن رضایت فرد شود، همین قدر نیز موجب پایین رفتن سطح کلی شادی وی خواهد شد (فرجی و خادیمان، ۱۳۹۲: ۸۸).

اگر جوان رضایت از زندگی داشته باشد، انگیزه‌اش برای ادامه فعالیت‌ها و همچنین ایفای نقش‌های اجتماعی بالاتر می‌رود و روحیه امیدواری بر زندگی او سایه می‌افکند و لذا می‌تواند استعدادهای خود را هر چه بیشتر به فعلیت برساند و روابط بهتری با دیگران برقرار نموده و حتی به رضایتمندی دیگران از زندگی هم کمک کند.

۳-۱-۳. مسئولیت‌پذیری و مشارکت فعال در زندگی اجتماعی

در سبک زندگی اسلامی، یکی دیگر از بایسته‌های مهم سلامت اجتماعی، مشارکت فعال در زندگی اجتماعی و پذیرش مسئولیت است. بر خلاف تفکر برخی که فرد را محور می‌دانند، اسلام دارای آموزه‌هایی در حوزه مشارکت‌های اجتماعی است که بر امور فردی دین غلبه دارد.

اهمیت مسئولیت‌پذیری در برابر دیگران و داشتن مشارکت فعال و همچنین عدم انحصار آن به گروهی خاص، در این کلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مورد تأکید واقع شده است (ر.ک: اسماعیلی، ۱۳۹۶: ۴۹):

«كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ...» (دیلمی، ۱۴۱۲: ۱/۱۸۴)؛ همه شما مردم همانند چوپان هستید و [همچنان که او مسئول حفاظت و نگاهداری گوسفند است،] همه شما هم مسئولیت سنگینی به عهده دارید نسبت به زیردستان (همو، ۱۳۴۹: ۲/۲۵۰).

واژه مسئولیت با واژه‌هایی مانند وظیفه، تکلیف، تعهد و حق، تلازم دارد؛ زیرا تا وظیفه‌ای بر دوش کسی نباشد، مسئولیتی در قبال انجام یا ترک آن نخواهد داشت و هر گاه سخن از حق به میان می‌آید، تکلیف و مسئولیتی هم در پی آن خواهد بود و با اثبات حق برای یک طرف، تکلیف و مسئولیتی متوجه طرف دیگر خواهد شد (سبحانی‌نیا، ۱۳۸۸: ۵۴).

یکی از بزرگ‌ترین مواهب الهی به انسان، رسیدن انسان به مقام «تکلیف، تعهد و مسئولیت» است. بدون شک «تکلیف» و مسئولیت بدون «شناخت و آگاهی» ممکن نیست و این آگاهی از سه طریق ادراکات عقلی و استدلال، فطرت و وجدان بدون نیاز به استدلال، و از طریق وحی و تعلیمات انبیا و اوصیا حاصل می‌شود (ر.ک: میرزایی، ۱۳۹۹).

لذا از مواردی که دین در بحث سلامت اجتماعی به آن توجه کرده، شناخت حقوق و وظایف به عنوان یک شهروند است و رساله حقوق امام سجاد علیه السلام نشان‌دهنده اهمیت بحث رعایت حقوق دیگران در دین است (اسماعیلی، ۱۳۹۶: ۵۰).

مسئولیت‌پذیری اجتماعی، نوعی احساس التزام به عمل یا واکنش فردی در موقعیت‌های گوناگون به دلیل تقید به دیگران است که نتیجه آن، نوعی احساس تعهد و پابندی به دیگران و تبعیت از قواعد و معیارهای اجتماعی و نیز درک قواعد گروهی است که در ذهن و رفتار فرد شکل می‌گیرد (ر.ک: همان: ۱۶۰-۱۶۱).

در مسئولیت‌پذیری اجتماعی، نوعی کنترل درونی بر فرد حاکم است که برای برقراری روابط بر اساس همدلی، توجه به حقوق دیگران و به طور کلی نظم اجتماعی اهمیت دارد (امیدی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۷۱-۱۷۲).

این بُعد از ابعاد مسئولیت انسان، نسبت به دیگر انسان‌هاست که در زمینه‌های گوناگون اجتماعی مورد بحث قرار می‌گیرد و از مهم‌ترین آن‌ها مسئولیت نسبت به فرستادگان خداوند، یعنی قرآن، رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم، ائمه هدی علیهم السلام و اطاعت از آنان است.

دیگر حوزه‌های مسئولیت انسان در رابطه با دیگران، شامل تمام روابط خانوادگی و خویشاوندی، همسایگان، طبقات محروم، مؤمنان، اقشار جامعه، حکومت و یا حتی بشریت است که به شکل‌های گوناگونی چون محبت، رعایت حقوق، اقامه قسط، همکاری و هدایت صورت می‌گیرد (سبحانی‌نژاد و نجفی، ۱۳۹۳: ۱۶۲).

از سویی، فعالیت و تلاش از نشانه‌های مؤمن و متقی است و او بر اساس اتکا و اعتماد به خداوند و مهر گسترده او و نیز انجام فرمان الهی، همواره در فکر پیمودن راه‌های خدمت و پیشرفت است (دین‌پرور، ۱۳۹۴: ۵۵).

یکی از قوانین زندگی هم که باید به آن توجه داشت، فعالیت در پرتو برنامه‌ریزی و

آینده‌نگری است و مهم‌تر از آن، جهت‌گیری صحیح و هدفدار و متعالی است. انسان متقی در همه کارها به رضایت الهی و خیر و خدمت‌رسانی به بندگان خدا توجه دارد و قدمی در جهت رسیدن به منافع شخصی، که از بین رفتن حقوق دیگران و ایجاد ناراحتی و ضرر به مردم را در پی دارد، برنمی‌دارد و با توجه به اینکه رضای الهی را هدف تلاش‌های خود قرار داده، در راه هدایت است (ر.ک: همان: ۵۶-۵۵) و با توجه به سخن امام علی علیه السلام: «وَنَشَاطًا فِي هُدًى» (نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴: ۳۰۵)، در هدایت بانشاط است (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۲: ۴۷۵).

البته معنای دیگر کلام امام علیه السلام، تلاش مؤمن پرهیزگار برای هدایت مردم و نجات آنان از راه‌های نادرست است؛ یعنی علاوه بر فعالیت‌های معمول زندگی، با همان شرایطی که گفتیم، رسالت بزرگ‌تری را هم احساس می‌کند و آن راهنمایی و ارشاد دیگران و در حقیقت «امر به معروف» و «نهی از منکر» است و در صورت فراگیری این روحیه و احساس مسئولیت انسان‌ها نسبت به همدیگر و بی‌تفاوت نبودن به گمراهی دیگران، جامعه به سوی جامعه برتر اسلامی نزدیک خواهد شد (ر.ک: دین‌پرو، ۱۳۹۴: ۵۶).

۴-۱-۳. تعاون و همکاری

«تعاون» در لغت به معنای هم‌پشت شدن و یکدیگر را یاری کردن است (دهخدا، ۱۳۷۳: ۴/۵۹۵۰). انسان به حکم اجتماعی بودن، در جهت آسایش و تأمین آرامش و امنیت خود، به دیگران نیازمند است و همین نیازها او را در جهت تعاون و مشارکت با دیگران ترغیب و تشویق، و گاه مجبور می‌کند.

اصولاً به همان اندازه که انسان‌ها و جوامع بشری مرفی‌تر و متکامل‌تر می‌گردند، مشارکت و همکاری انسان‌ها نیز باید افزایش یابد (اصغری، ۱۳۹۱: ۱۸-۱۹).

دین مبین اسلام بر پایه تعاون و همکاری متقابل استوار است و ابعاد مختلف تعاون در آن مطرح است:

- تعاون در بُعد اجتماعی و سیاسی؛ مانند حج، نماز، جهاد، امر به معروف، توبی و...؛
- تعاون در بُعد اقتصادی؛ احکامی نظیر خمس و زکات، مالیات، انفاق مستحبی و...؛

- تعاون در بُعد اخلاقی؛ مانند رعایت حقوق والدین، همسایگان، ارحام، مسلمین و... (ر.ک: زاهدی اصل، ۱۳۸۷)، و به طور کلی از دستورات مهم اجتماعی قرآن کریم، دستور به تعاون و همیاری در امور خیر است (حیدری و نوروزی، ۱۳۹۵: ۵۵). قرآن می‌فرماید: ﴿وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ﴾ (مائده/ ۲)؛ و یکدیگر را بر انجام کارهای خیر و پرهیزکاری یاری نمایید و بر گناه و تجاوز یاری ندهید.

آنچه در آیه فوق در زمینه تعاون آمده، یک اصل کلی اسلامی است که سراسر مسائل اجتماعی، حقوقی، اخلاقی و سیاسی را در بر می‌گیرد. طبق این اصل، مسلمانان موظف‌اند در کارهای نیک تعاون و همکاری کنند، ولی همکاری در اهداف باطل و اعمال نادرست و ظلم و ستم، مطلقاً ممنوع است؛ هرچند مرتکب آن، دوست نزدیک یا برادر انسان باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۵۳/۴). به عبارت دیگر، این اصل در آیه، یک سنت مسلم الهی و اسلامی برای سالم‌سازی جامعه اسلامی است؛ یعنی برای داشتن روابط سالم بین اهل ایمان و اسلام، دو رکن را در این آیه شریفه بیان می‌فرماید: رکن اول، مسئله حمایت، کمک و مساعدت به دیگران است؛ چه در بُعد مادی و چه در بُعد معنوی، اما بر محور برّ و تقوا. رکن دوم، نهی و عدم اعانه نسبت به اثم و عدوان است (تهرانی، ۱۳۹۴).

اگر این اصل در جامعه نهادینه گردد و مردم بدون توجه به روابط شخصی، نژادی و خویشاوندی، با آنان که به انجام کارهای سازنده و مثبت اقدام می‌کنند، همکاری و همیاری نمایند، بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی حل می‌شود و جامعه‌ای مملو از تعاون به وجود می‌آید. البته باید دقت نمود که تعاون مورد تأکید دین، مترادف با همکاری نیست؛ زیرا شرط لازم در همکاری، وجود نیازمندی مشترک است و حال آنکه در تعاون چنین نیست؛ یعنی علاوه بر نیاز مشترک، تمایل انسان‌ها به معاضدت با یکدیگر نیز شرط است. به همین دلیل گفته می‌شود که رفتار تعاونی نیازمند دست‌کم «روح با هم بودن» و اعتماد به یکدیگر است و از این رو، تعاون چیزی فراتر و بالاتر از همکاری است. تعاون انگیزه‌ای است که فرد را تشویق و ترغیب می‌کند تا در فعالیت‌های روزمره، خود را وقف خدمت به دیگران در جهت نیل به اهداف عالی الهی نماید (اصغری، ۱۳۹۱: ۱۸-۱۹).

همچنین یکی از دستوراتی که در جهت تحکیم همگرایی در جامعه ایمانی است، در آیه آخر سوره مبارکه آل عمران مطرح شده است. خداوند متعال در این آیه می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (آل عمران / ۲۰۰)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! صبور باشید و یکدیگر را به صبر سفارش کنید و متوجه روابط خود باشید و تقوای الهی پیشه کنید که رستگاری از آن شماست.

در این آیه، مؤمنان سفارش به صبر، ایجاد رابطه و تقوا شده‌اند که حاصل این سه بر محور ایمان، فلاح، رستگاری و سعادت حقیقی است. خداوند متعال در این آیه، دو نوع صبر را مورد تأکید قرار می‌دهد:

صبرهای فردی (اصْبِرُوا): صبر بر سختی‌ها، معصیت‌ها، صبر در طاعت خداوند متعال؛

صبرهای اجتماعی (صابِرُوا/ رَابِطُوا): صبر بر یاری همدیگر، صبر در مشکلات اجتماعی، صبور بودن در مقابل همدیگر، اخوت و برادری، ملاحظت، تکریم به یکدیگر، استمداد در گرفتاری‌ها و مصائب، صبر در معصیت‌های اجتماعی نظیر تعدی به حقوق دیگران، سوءظن و غیبت، تمسخر، نامی و تجسس احوال همدیگر.

«رَابِطُوا» یعنی تلاش مداوم در ایجاد ارتباط سازنده با انسان‌ها به ویژه انسان‌های نیازمند، و منظور این است که انسان مؤمن و متقی با جزم نیروهای درونی و امکانات بیرونی در جهت کمک و یاری به انسان‌های دیگر جامعه حرکت کند؛ زیرا سعادت واقعی او جز در پرتو همکاری اجتماعی و اتحاد عملی امت اسلامی بر پایه ایمان و تقوا میسر نیست و در این آیه، همانند آیه ۲ سوره مبارکه مائده،^۱ بلافاصله صفت تقوا را متذکر می‌شود؛ یعنی بهترین نشانه تقوا به ویژه در بُعد عملی، اصلاح بین مسلمانان، ایجاد رابطه سالم و سازنده با آن‌ها و مساعدت و کمک به ایشان در امور خیر است (ر.ک: زاهدی اصل، ۱۳۸۷).

علامه طباطبایی نیز در تفسیر این آیه، منظور از «اصْبِرُوا» را صبر تک‌تک افراد بیان می‌کند؛ چون در ادامه، صبر در باب مفاعله (صابِرُوا/ مصابرة) به کار رفته است که

۱. «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (مائده / ۲)؛ و یکدیگر را بر انجام کارهای خیر و پرهیزکاری یاری نمایید و بر گناه و تجاوز یاری ندهید.

ماده فعل بین دو طرف تحقق می‌یابد، و مصابره را به معنای تحمل اذیت‌ها توسط جمعیتی به اتفاق یکدیگر و تکیه صبر هر یک به صبر دیگری دانسته که در نتیجه برکاتی که در صفت صبر هست، دست به دست هم می‌دهد و تأثیر صبر بیشتر می‌گردد و این معنا امری است که هم در فرد، اگر نسبت به حال شخصی او در نظر گرفته شود، محسوس است و هم در اجتماع، اگر نسبت به حال اجتماع و تعاون افراد آن در نظر گرفته شود؛ چون باعث می‌شود که تک‌تک افراد، نیروی یکدیگر را به هم وصل کنند و همه نیروها یکی شود.

همچنین «رابطه» (مربطه) را اعم از مصابره از نظر معنا دانسته است؛ چون مصابره عبارت از وصل کردن نیروی مقاومت افراد جامعه در برابر شدائد است، و رابطه وصل کردن نیروهاست، اما نه تنها نیروی مقاومت در برابر شدائد، بلکه همه نیروها و کارها در جمیع شئون زندگی دینی، چه در حال شدت و چه در حال رخاء و خوشی؛ و چون مراد از رابطه این است که جامعه به سعادت حقیقی دنیا و آخرت خود برسد و با آن بعضی از سعادت دنیا تأمین می‌شود و سعادت حقیقی نیست، به همین جهت در ادامه، ﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ را ذکر می‌کند که منظور فلاح تام حقیقی است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۴۳/۴-۱۴۴).

۳-۱-۵. عدالت‌مندی

از دیگر بایسته‌های سلامت اجتماعی، بحث عدالت و قانون است و قانون‌مدار و عدالت‌مند بودن یک فرد، نشان‌دهنده سلامت اجتماعی اوست و این یکی از نکته‌های برجسته دین است که دین، خود بزرگ‌ترین پشتوانه اجرای عدالت و قانون است (ر.ک: اسماعیلی، ۱۳۹۶: ۵۳): ﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾ (حدید/ ۲۵)؛ ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب [آسمانی] و میزان [شناسایی حق و قوانین عادلانه] نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند.

در اهمیت عدالت‌مندی باید گفت که یکی از اهداف مهم بعثت انبیا، وجود عدالت و قانون است. دین مبین اسلام، قوانین عادلانه ارائه می‌دهد و روی استقرار نظام عادلانه

و دعوت به مبارزات آزادی‌بخش توجه جدی دارد و این مسئله، یکی از کارکردهای دین برای ایجاد سلامت اجتماعی است (ر.ک: همان).

همچنین چنان که ذکر آن گذشت، برای جلوگیری و مبارزه با ظلم، متذکر بحث عدالت محوری می‌شود (ر.ک: صفی‌خانی، ۱۳۸۶: ۲۳۹-۲۴۰): «اغْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى» (مائده/۸)؛ عدالت کنید که به پرهیزکاری نزدیک‌تر است.

بحث عدالتمندی برای جوانان بسیار مهم است؛ چنان که دیدن برخی بی‌عدالتی‌ها و قانون‌گریزی‌ها در جامعه، باعث نوعی واردگی آن‌ها نسبت به دین شده است و لذا باید به جوانان توجه داد که خداوند دین و پیامبران را برای اجرای عدالت در جامعه فرستاده است و در حقیقت برجسته‌ترین مؤلفه‌های دین ما، عدالت محوری است و اصل هدف حکومت جهانی که خداوند وعده آن را داده، بر پایه عدالت است (ر.ک: اسماعیلی، ۱۳۹۶: ۵۳).

اگر عدالت رعایت شود و هر چیزی در جای خود قرار گیرد، موازنه رعایت می‌گردد، حقوق فردی و اجتماعی مردم محترم شمرده می‌شود، در توزیع ثروت تبعیض صورت نمی‌گیرد، در قضاوت‌ها بی‌طرفی رعایت می‌شود، در همه‌جا انصاف اعمال می‌گردد و هر کسی به آنچه سزاوار اوست، می‌رسد (وطن‌دوست و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۹/۱).

۲-۳. بایسته‌های سلامت اجتماعی از دیدگاه جامعه‌شناسی

ما در اینجا با توجه به نظریه سلامت اجتماعی کیز، به بیان بایسته‌های سلامت اجتماعی می‌پردازیم. کیز^۱ -اثرگذارترین نظریه‌پرداز حوزه سلامت اجتماعی در سطح خرد- پنج ملاک را برای سلامت اجتماعی برمی‌شمرد که هم‌راستا با نظریه روان‌شناختی و جامعه‌شناسی بسط پیدا می‌کنند:

۱-۲-۳. انطباق (همبستگی) اجتماعی^۲

انطباق اجتماعی یعنی اعتقاد به اینکه اجتماع قابل فهم، منطقی و قابل پیش‌بینی است. همبستگی اجتماعی در مقابل بی‌معنایی در زندگی، قابل مقایسه است و شامل

1. Keyes.
2. Social coherence.

ارزیابی فرد از اجتماع به صورت قابل فهم، قابل پیش‌بینی و مخصوص است و در حقیقت درکی است که فرد نسبت به کیفیت سازمان‌دهی و ادارهٔ دنیای اجتماعی اطراف خود دارد. افراد سالم، علاقه‌مند به طرح‌های اجتماعی بوده و احساس می‌کنند که قادر به فهم وقایع اطرافشان هستند و خود را با تصور اینکه در حال زندگی در یک دنیای متکامل و عالی هستند، فریب نمی‌دهند و خواسته‌ها و آرزوهایشان را از جهت فهم و درک زندگی ارتقا می‌بخشند (شربتیان و عزیزاده خانقاهی، ۱۳۹۴: ۱۷۵-۱۷۶).

۲-۲-۳. انسجام اجتماعی^۱

انسجام اجتماعی ارزیابی یک فرد با در نظر گرفتن کیفیت همراهی او با جامعه است. به عبارت دیگر، انسجام اجتماعی ارزیابی فرد از کیفیت روابطش در جامعه و گروه‌های اجتماعی است. فرد سالم احساس می‌کند که بخشی از اجتماع است و خود را با دیگرانی که واقعیت اجتماعی را می‌سازند، سهیم می‌داند.

سلامت و یگانگی اجتماعی، روابط افراد را با یکدیگر از طریق هنجارها منعکس می‌کند. مفهوم انسجام اجتماعی در برابر بیگانگی و انزوای اجتماعی قرار می‌گیرد. فردی که از انسجام اجتماعی برخوردار است، نسبت به اجتماع خود احساس نزدیکی می‌کند و گروه اجتماعی خود را منبعی از آرامش و اعتماد می‌داند (شهریاری‌پور و مرادی، ۱۳۹۵: ۸۶).

۳-۲-۳. سهم‌داشت (مشارکت) اجتماعی^۲

سهم‌داشت اجتماعی باوری است که طبق آن، فرد خود را عضو مهمی از اجتماع می‌داند و تصور می‌کند که چیزهای ارزشمندی برای عرضه به جامعه دارد. ایفای سهم اجتماعی می‌تواند به عنوان نوعی مسئولیت اجتماعی تلقی شود؛ تلقی فرد از ارزشی که در جامعه می‌تواند داشته باشد. برای بسیاری از افراد سخت است که به این احساس برسند که سهم ارزشمندی در جامعه دارند؛ به ویژه وقتی که وجود خودشان برای خودشان ارزشمند نیست (شربتیان و عزیزاده خانقاهی، ۱۳۹۴: ۱۷۶).

1. Social integration.
2. Social contribution.

۳-۲-۴. شکوفایی اجتماعی^۱

شکوفایی اجتماعی عبارت است از ارزیابی استعداد و خط سیر اجتماع. این شاخص یعنی باور تکامل اجتماعی و این احساس که جامعه استعداد از قوه به فعل رسیدن را از طریق شهروندان و نهادهای اجتماعی دارد. شکوفایی اجتماعی شامل درک افراد از این موضوع است که آن‌ها هم از رشد اجتماعی سود خواهند برد و اینکه نهادها و افراد حاضر در جامعه به شکلی در حال شکوفایی‌اند که نوید توسعه بهینه و مطلوب را می‌دهد (امیدی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۶۷).

۳-۲-۵. پذیرش اجتماعی^۲

پذیرش اجتماعی شامل پذیرش تکثر با دیگران، اعتماد به خوب بودن ذاتی دیگران و نگاه مثبت به ماهیت انسان‌هاست که همگی آن‌ها باعث می‌شوند که فرد در کنار سایر اعضای جامعه انسانی، احساس راحتی کند. به عبارت دیگر، پذیرش اجتماعی به تفسیر فرد از جامعه و ویژگی‌های دیگران اشاره می‌کند. افرادی که دارای این بُعد از سلامت اجتماعی هستند، اجتماع را به صورت مجموعه‌ای از افراد مختلف درک می‌کنند و دیگران را با همهٔ نقص‌ها و جنبه‌های مثبت و منفی‌ای که دارند، می‌پذیرند و به دیگران به عنوان افراد با ظرفیت و مهربان، اعتماد و اطمینان دارند. به عبارت دیگر، پذیرش اجتماعی، داشتن گرایش‌های مثبت نسبت به افراد و به طور کلی پذیرش افراد علی‌رغم برخی رفتارهای سردرگم‌کننده و پیچیده آن‌هاست. پذیرش اجتماعی، مصداق اجتماعی از پذیرش خود است. در پذیرش خود، فرد نگرش مثبت و احساس خوبی در مورد خود و زندگی گذشته دارد و خویش را با وجود ضعف‌ها و ناتوانی‌هایی که دارد، می‌پذیرد. افراد باور دارند که مردم می‌توانند ساعی و مؤثر باشند (شربتیان و علیزاده خانقاهی، ۱۳۹۴: ۱۷۷).

۴. کارکردهای دین در سلامت اجتماعی

یکی از کارکردهای دین و سبک زندگی دینی، ایجاد جامعه‌ای توأم با سلامت

1. Social actualization.
2. Social acceptance.

اجتماعی است. بدیهی است که دین به عنوان ارزشی متعالی باعث به وجود آمدن و شکل‌گیری برخی روحیات و عملکردهایی در زندگی اجتماعی افراد می‌شود که بر هیچ کس پوشیده نیست. شاید مهم‌ترین تبعات جدی دین در جامعه، تحکیم روابط اجتماعی افراد آن جامعه است.

دین، جامعه را متحد، همبستگی اجتماعی را تقویت و انسجام اجتماعی را حفظ می‌کند و نیز در پیروانش احساس خوش‌سعدت و خوشبختی اجتماعی به وجود می‌آورد. دین برای اصلاح روابط فردی و اجتماعی و ایجاد و ادامه یک زندگی سالم برای انسان ضرورت دارد. دین در متن زندگی بشر قرار دارد و دارای نقش حیاتی در ابعاد فردی و اجتماعی جامعه انسانی است.

در بررسی کارکردهای اجتماعی دین مشخص شده است که دین، هم در حیات اخروی و هم در حیات اجتماعی انسان‌ها نقش عمده‌ای دارد و کارکردهای اصلی آن در چند محور اصلی انسجام‌بخشی، معنا دادن به حیات انسان‌ها و اهتمام افراد برای اصلاح و سلامت جامعه می‌باشد.

در مجموع، جامعه دیندار دارای انسجام، وحدت، یکپارچگی و همبستگی بالایی است و شهروندانش از امنیت اجتماعی، سلامت در روابط خانوادگی و اجتماعی و نیز روح تعاون و همکاری بالایی برخوردارند و در برابر سرنوشت یکدیگر احساس مسئولیت می‌کنند (افشانی و دیگران، ۱۳۹۳: ۸۹-۹۰).

به دلیل اهمیت بحث، در ادامه دوباره و به صورت خلاصه و فهرست‌وار به نقش دین در سلامت اجتماع اشاره می‌کنیم:

آموزه‌های دینی با ایجاد یک قاعده فکری مشترک برای انسان‌ها، موجب رشد و تعالی و رسیدن به کمال و سعادت اجتماعی و هماهنگی مردم در عملکرد، اندیشه و رفتارهای خودشان با آموزه‌های دینی حاکم بر جامعه می‌گردد.

اسلام برای تمام ابعاد زندگی انسان، دستورالعمل و برنامه داشته و به طور مستقیم و غیر مستقیم در مسائل اجتماعی حضوری انکارناپذیر دارد و به عنوان یک عامل تأثیرگذار، اکثر فعالیت‌های همگانی، نظارت، کنترل، امنیت و مهار امور اجتماعی مردم را به عهده دارد.

آموزه‌های دینی ضمن بیان قبح انحرافات اخلاقی، مانع ارتکاب جرائم و مهار کجروی‌هاست و به بازتوانی و فرایند عدم تکرار جرم کمک می‌کند و ضامن اجرای ارزش‌ها و هنجارهای دینی است.

مهم‌ترین هدف تعالیم اسلام، اصلاح جامعه و عموم مردم است و نیرویی قوی در زندگی بشر بوده و عامل پیوند باورهای دینی، انسجام و وحدت‌بخشی، حیات‌بخشی و نظم در جامعه است.

اجرای مراسم دینی می‌تواند ارزش‌های پایدار اسلامی را به نسل‌های آینده منتقل کند و در اصلاح جامعه و تغییر افکار ناسالم به باورهای اصیل و پایدار مؤثر باشد (میرزاحمدی و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۷-۳۸).

۵. سنجش بایسته‌های سلامت اجتماعی در دیدگاه اسلام و جامعه‌شناسی

با توجه به آنچه در مباحث قبل گذشت، می‌توان دریافت که دین الهی و علم بشر هر دو به بایسته‌های سلامت اجتماعی اشاره کردند. اما با نگاه دقیق‌تر در بحث مقایسه بین بایسته‌های مطرح‌شده در سبک زندگی اسلامی و در نگاه جامعه‌شناسی باید گفت اگر جامعه‌شناسی غربی در ارتباط با اجتماع، به انسجام اجتماعی دست یافته است و باور دارد که فرد باید با کیفیتی خاص با جامعه همراهی کند و ارزیابی خاصی از جامعه داشته باشد (شهریاری‌پور و مرادی، ۱۳۹۵: ۸۶)، اسلام در مورد ارتباط فرد با جامعه و یا نگرش وی به جامعه، دستور به تعاون می‌دهد؛^۱ یعنی علاوه بر آنچه غربی‌ها می‌گویند که فرد باید احساس کند بخشی از اجتماع و سهم در آن است و هنجارها را رعایت می‌کند و انزوا ندارد، حتی فرد باید تعاون داشته باشد و این تعاون را هم می‌فرماید که برّ و تقوا باشد، و روشن می‌کند که برّ در فضای اجتماعی چه معنایی پیدا می‌کند و تقوا چه معنایی دارد.^۲

۱. «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالعُدْوَانِ» (مائده / ۲)؛ و یکدیگر را بر انجام کارهای خیر و پرهیزکاری یاری نمایید و بر گناه و تجاوز یاری ندهید.

۲. برای مثال: «لَيْسَ الْبِرُّ أَنْ تُولُوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَآلَتِ الْكِتَابِ وَالتَّيْبِينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ» (بقره / ۱۷۷؛ نیز ر. ک: بقره / ۱۸۹؛ آل عمران / ۹۲).

همچنین اینکه جامعه‌شناسی در انسجام اجتماعی، سلامت و یگانگی اجتماعی روابط افراد را با یکدیگر از طریق هنجارها منعکس می‌کند (ر.ک: همان: ۸۶)، اگر عدالت را که قرار دادن امور در موضع خودشان است^۱ (مصباح‌یزدی، ۱۳۸۹: ۱۶۳)، اشاره‌گر به هنجارها در نظر بگیریم، می‌تواند با عدالت‌مندی در اسلام هم ارتباط پیدا کند.

اگر جامعه‌شناسی غربی، سهم‌داشت یا مشارکت اجتماعی را مطرح می‌کند که فرد باید خودش را عضوی از اجتماع بداند و تصور کند که چیز ارزشمندی برای عرضه به جامعه دارد (شربتیان و علیزاده خانقاهی، ۱۳۹۴: ۱۷۷)، در برابر آن، اسلام می‌فرماید علاوه بر این نگرش که فرد سهمی در اجتماع دارد، در مقام عمل چه ارتباطی باید با جامعه پیدا بکند و اینکه باید مسئولیت بپذیرد و در واقع این مشارکت کردن داوطلبانه و بر اساس ظرفیت فرد، یک مسئله است، و اینکه او باید مسئولیتی را بر اساس نظام حقی که در جامعه برپا شده است و بر اساس ولایت که شناخت بهتری از ظرفیت انسان‌ها دارد، بپذیرد، مسئله دیگری است. اسلام افراد را در جایی که واقعاً برای آن ساخته شده‌اند، قرار می‌دهد و فرد مسئولیت را می‌پذیرد و صبر و استقامت نشان می‌دهد که این مرتبه بالاتری است.

در بحث شکوفایی اجتماعی در نگاه جامعه‌شناسی که معتقد است فرد باید باور به تکامل اجتماعی داشته باشد و باور به اینکه جامعه می‌تواند از قوه به فعل برسد (امیدی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۶۷)، در اسلام، این مسئله با امیدواری و نشاط و احساس رضایت به وجود می‌آید و اگر از دید غرب، در این حرکت تکاملی فقط پی به رشد و شکوفایی اجتماعی برده می‌شود و یا مثلاً این رشد در فضای توسعه و اقتصاد معنا می‌گردد، اسلام این رشد و شکوفایی اجتماعی را بیان می‌کند البته این حرکت تکاملی را در فرد، جامعه و تاریخ مطرح می‌کند؛ یعنی با رشد در تمدن که با ولایت ولی خدا صورت می‌گیرد، سیر تکاملی در تاریخ اتفاق می‌افتد (ر.ک: میرباقری، ۱۳۹۸: ۴۴۵).

پیرامون پذیرش اجتماعی که جامعه‌شناسان مطرح می‌کنند و اینکه لازم است فرد به دیگران اعتماد کند (شربتیان و علیزاده خانقاهی، ۱۳۹۴: ۱۷۷)، باید گفت که این مسئله به

۱. «وَضَعُ كُلِّ شَيْءٍ فِي مَوْضِعِهِ».

الگوی شایسته برمی‌گردد که فرد هم می‌تواند به دیگران اعتماد کند، در این حد که داشته‌هایش را به دیگران منتقل کند و الگوی شایسته‌ای برای آن‌ها گردد، و از طرفی هم آن‌قدر اعتماد کند که زندگی خودش را به دست ولیّی که جامعه را پیش می‌برد، بسپارد (ر.ک: مهدی‌زاده، ۱۳۹۳: ۸۰).

در مورد انطباق اجتماعی که طبق دیدگاه جامعه‌شناسی، افراد علاقه‌مند به طرح‌های اجتماعی هستند (ر.ک: همان: ۱۷۷)، می‌توان گفت که اسلام علاوه بر این گرایش، در بحث کنش و عملکرد، افراد را دعوت به تعاون می‌کند.

البته توجه به این نکته ضروری است که در این نگاه، بایسته‌های سلامت اجتماعی از دیدگاه جامعه‌شناسی، بر اساس نظریه‌ای که از کییز نقل شده، مطرح گردیده است و او سلامت اجتماعی را عبارت از چگونگی ارزیابی فرد از عملکردش در برابر اجتماع می‌داند و لذا با توجه به اینکه تعریف او منحصر در نحوه نگرش است، بایسته‌هایی هم که مطرح نموده است (انطباق، انسجام، مشارکت، شکوفایی و پذیرش اجتماعی)، ناظر به این بُعد است و از اینجا، جامعیت دین اسلام در بحث سلامت اجتماعی روشن می‌گردد که در حوزه سلامت اجتماعی افراد، نگاهی به تمام ابعاد بینشی، گرایشی و کنشی دارد.

نتیجه‌گیری

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد:

۱- سلامت اجتماعی از ابعاد سلامت انسان است و به توانایی فرد در تعامل مؤثر با دیگران و اجتماع اشاره دارد و در سبک زندگی اسلامی، فردی را که از الگوهای شایسته پیروی می‌کند و دارای انگیزه، نشاط، امیدواری، نگاه مثبت به جامعه، مشارکت فعال در زندگی اجتماعی و روحیه تعاون و مسئولیت‌پذیری است، می‌توان برخوردار از سلامت اجتماعی دانست و از دیدگاه برخی جامعه‌شناسان هم بایسته‌هایی از جمله انطباق، انسجام، مشارکت، شکوفایی و پذیرش اجتماعی را می‌توان برای سلامت اجتماعی فرد ذکر کرد.

۲- در مقایسه بایسته‌های سلامت اجتماعی در سبک زندگی اسلامی و از دیدگاه

جامعه‌شناسی باید گفت که در برابر انسجام اجتماعی در جامعه‌شناسی، که ارزیابی فرد از کیفیت روابطش در جامعه و گروه‌های اجتماعی دانسته شده و در حد یک نگرش است، اسلام تعاون را که در مرحله فراتر و کنش است، مطرح می‌کند. همچنین در بحث مشارکت اجتماعی از دیدگاه جامعه‌شناسی که نگرش فرد به سهمی که در اجتماع دارد، می‌باشد، اسلام در مقام عمل، بحث مسئولیت‌پذیری را مطرح و انسان‌ها را در جایگاهی که برای آن ساخته شده‌اند، قرار می‌دهد. پیرامون شکوفایی اجتماعی که در نگاه جامعه‌شناسی، تنها توجه به تکامل اجتماعی دارد، امیدواری و نشاط در اسلام، نگاهی فراتر از تکامل اجتماع دارد و به رشد و تکامل فرد و تاریخ هم توجه می‌کند. در برابر پذیرش اجتماعی که به اعتماد به دیگران اشاره دارد، در اسلام، پیروی افراد جامعه از الگوهای شایسته الهی و ولی جامعه قرار دارد که اعتماد فرد به ایشان به گونه‌ای است که زندگی خویش را به دست آن‌ها می‌سپارد و در بحث انطباق اجتماعی و گرایش و علاقه افراد به طرح‌های اجتماعی، اسلام در مرحله کنش و عمل، امر به تعاون می‌نماید.

کتاب‌شناسی

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
۲. نهج البلاغه، گردآوری شریف رضی، ترجمه علی شیروانی، چاپ سوم، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دفتر نشر معارف، ۱۳۹۲ ش.
۳. نهج البلاغه، گردآوری شریف رضی، تحقیق و تصحیح صبحی صالح، قم، هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۴. ابن شعبه حرانی، ابو محمد حسن بن علی بن حسین، *تحف العقول عن آل الرسول ﷺ*، تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳ ش.
۵. همو، *تحف العقول عن آل الرسول ﷺ*، ترجمه بهراد جعفری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۱ ش.
۶. اسماعیلی، مریم، «سلامت اجتماعی جوانان از منظر اسلام؛ شاخص‌ها و آسیب‌ها در گفت‌وگو با کارشناسان حوزه دین و سلامت»، *فصلنامه مطالعات جوان و رسانه*، شماره ۱۷ (پیاپی ۱۴۴)، بهار ۱۳۹۶ ش.
۷. اصغری، محمود، «سرمایه اجتماعی، چیستی، مؤلفه‌ها و رابطه آن با دین»، *پژوهش‌های اجتماعی اسلامی*، سال هجدهم، شماره ۳ (پیاپی ۹۵)، مرداد و شهریور ۱۳۹۱ ش.
۸. افشانی، سیدعلیرضا، سیدپویا رسولی نژاد، محمد کاویانی، و حمیدرضا سمیعی، «بررسی رابطه سبک زندگی اسلامی با سلامت اجتماعی مردم شهر یزد»، *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، سال هشتم، شماره ۱۴، بهار و تابستان ۱۳۹۳ ش.
۹. امید، مصطفی، منصور حقیقتیان و سیدعلی هاشمیانفر، «سلامت اجتماعی و کارکردهای آن در جوامع شهری (مورد مطالعه: کلان‌شهر اصفهان)»، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، سال هفتم، شماره ۲۴، پاییز ۱۳۹۶ ش.
۱۰. ایروانی، جواد، و سیدابوالقاسم حسینی زیدی، «اعجاز قرآن در سنت‌های اجتماعی»، *دوفصلنامه قرآن و علم*، سال هفتم، شماره ۱۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۲ ش.
۱۱. «بررسی سلامت اجتماعی: مفاهیم، آسیب‌ها و راهکارها در گفت‌وگو با کارشناسان حوزه سلامت و رسانه»، *مطالعات جوان و رسانه*، شماره ۱۸، ۱۳۹۶ ش.
۱۲. بستانی، فواد افرام، *فرهنگ ابجدی الفبایی عربی - فارسی (ترجمه کامل المنجد الابجدی)*، ترجمه رضا مهیار، چاپ دوم، تهران، اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
۱۳. بهرامی، غلامرضا، *جوان*، چاپ سوم، قم، دلیل ما، ۱۳۸۴ ش.
۱۴. پسندیده، عباس، *رضایت از زندگی*، چاپ پانزدهم، قم، دار الحدیث، ۱۳۹۳ ش.
۱۵. پناهی، علی احمد، «عوامل نشاط و شادکامی در همسران از منظر دین و روان‌شناسی»، *ماهنامه معرفت*، سال هجدهم، شماره ۱۴۷، اسفند ۱۳۸۸ ش.
۱۶. تیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، *شرح محقق بارع جمال‌الدین محمد خوانساری برغررالحکم و درر الکلم*، مقدمه و تصحیح و تعلیق میرجلال‌الدین حسینی ارموی (محدث)، چاپ چهارم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ ش.
۱۷. تهرانی، مجتبی، «ارکان سلامت جامعه در آیه تعاون»، ۱۳۹۴ ش. قابل دسترس در پایگاه فرهنگ علوم انسانی اسلامی پژوهه وابسته به پژوهشکده باقرالعلوم <http://pajoohe.ir>.
۱۸. جمعی از نویسندگان، «گزیده‌ای از پژوهش‌ها پیرامون جوانان و محبت اهل بیت علیهم‌السلام / مرجعیت دینی و علمی اهل بیت علیهم‌السلام»، *فصلنامه معارف اسلامی*، شماره ۶۴، تابستان ۱۳۸۵ ش.
۱۹. حرّ عاملی، محمد بن حسن، *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام

- لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ ق.
۲۰. حسینی زبیدی، سید محمد مرتضی بن محمد، *تاج العروس من جواهر القاموس*، تحقیق و تصحیح علی هلالی و علی سیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ ق.
۲۱. حمیری قمی، ابوالعباس عبدالله بن جعفر، *قرب الاسناد*، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۴۱۳ ق.
۲۲. حیدری، علیجان، و محمد جواد نوروزی، «مبانی فقهی مشارکت سیاسی در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران»، *دوفصلنامه اندیشه‌های حقوق عمومی*، سال ششم، شماره ۱ (پیاپی ۱۰)، پاییز و زمستان ۱۳۹۵ ش.
۲۳. دهخدا، علی اکبر، *لغت‌نامه*، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، تهران، دانشگاه تهران با همکاری روزنه، ۱۳۷۳ ش.
۲۴. دیلمی، حسن بن محمد، *ارشاد القلوب الی الصواب*، قم، الشریف الرضی، ۱۴۱۲ ق.
۲۵. همو، *ارشاد القلوب*، ترجمه هدایت‌الله مسترحمی، چاپ سوم، تهران، مصطفوی، ۱۳۴۹ ش.
۲۶. دین‌پرور، سیدجمال‌الدین، *پندهای کوتاه از نهج البلاغه برای جوانان*، چاپ چهارم، تهران، بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۹۴ ش.
۲۷. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، *ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن*، ترجمه غلامرضا خسروی، تحقیق و تصحیح غلامرضا خسروی حسینی، چاپ دوم، تهران، مرتضوی، ۱۳۷۴ ش.
۲۸. همو، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت، دار القلم، ۱۴۱۲ ق.
۲۹. رجیبی، عباس، «راز جوانی»، *مجله شمیم یاس*، شماره ۳۲، آبان ۱۳۸۴ ش.
۳۰. زاهدی اصل، محمد، *مقدمه‌ای بر خدمات اجتماعی در اسلام*، چاپ دوم، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۷ ش.
۳۱. سام آرام، عزت‌الله، و مریم امینی یخدانی، «بررسی وضعیت سلامت زنان سرپرست خانوار تحت پوشش سازمان بهزیستی قم»، *بانوان شیعه*، سال ششم، شماره ۲۱، پاییز ۱۳۸۸ ش.
۳۲. سبحانی نژاد، مهدی، و حسن نجفی، «تحلیل ابعاد شناسانه مسئولیت‌پذیری در سبک زندگی اسلامی»، *فصلنامه سراج منیر*، سال پنجم، شماره ۱۶، پاییز ۱۳۹۳ ش.
۳۳. سبحانی نیا، محمد، «راه و رسم زندگی، مسئولیت‌پذیری»، *فصلنامه معارف اسلامی*، شماره ۷۶، تابستان ۱۳۸۸ ش.
۳۴. سجودی، عادل، رضا معصومی راد، سولماز آوردیده، و فرزین عبدی، «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر رضایت از زندگی (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه پیام نور واحد شفت)»، *فصلنامه رویش روان‌شناسی*، سال چهارم، شماره ۳ (پیاپی ۱۲)، پاییز ۱۳۹۴ ش.
۳۵. سمیعی، مرسله، حسن رفیعی، مصطفی امینی رارانی، و مهدی اکبریان، «سلامت اجتماعی ایران: از تعریف اجماع‌مدار تا شاخص شواهدمدار»، *مسائل اجتماعی ایران*، سال اول، شماره ۲، زمستان ۱۳۸۹ ش.
۳۶. شربتیان، محمدحسن، و سامره عزیززاده خانقاهی، «رابطه مهارت‌های زندگی با سلامت اجتماعی (نمونه موردی: جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله شهرستان حاجی آباد)»، *پژوهشنامه مددکاری اجتماعی*، سال دوم، شماره ۶، زمستان ۱۳۹۴ ش.
۳۷. شهریاری پور، رضا، و فرشاد مرادی، «مروری بر عوامل مؤثر بر سلامت اجتماعی در دانشجویان»، *فصلنامه سلامت اجتماعی و اعتیاد*، سال سوم، شماره ۱۲، زمستان ۱۳۹۵ ش.

۳۸. صداقت، محمدعارف، *جوان و جوانی در سیره اهل بیت (علیهم‌السلام)*، قم، جامعه المصطفی‌السلام العالمیه، ۱۳۸۷ ش.

۳۹. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، *الخصال*، مقدمه و ترجمه و تصحیح سیداحمد فهری زنجانی، تهران، علمیه اسلامیة، بی‌تا.

۴۰. همو، *مصادقة الاخوان*، تحقیق و تصحیح سیدعلی خراسانی کاظمی، کاظمیه، مکتبه الامام صاحب الزمان العامه، ۱۴۰۲ ق. (الف)

۴۱. همو، *مصادقة الاخوان*، ترجمه سیدعلی خراسانی کاظمی، قم، کرمانی، ۱۴۰۲ ق. (ب)

۴۲. صفی‌خانی، حمیدرضا، «سلامت از دیدگاه اسلام»، *فصلنامه تأمین اجتماعی*، سال نهم، شماره ۲۸، بهار ۱۳۸۶ ش.

۴۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ش.

۴۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، چاپ دوم، قم، هجرت، ۱۴۰۹ ق.

۴۵. فرجی، طوبی، و طلیعه خادمیان، «بررسی نقش رضایت از زندگی بر میزان نشاط اجتماعی»، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، سال چهارم، شماره ۱۰، تابستان ۱۳۹۲ ش.

۴۶. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، *اصول الکافی*، ترجمه سیدجواد مصطفوی، تهران، کتابفروشی علمیه اسلامیة، ۱۳۶۹ ش.

۴۷. همو، *الکافی*، تحقیق و تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.

۴۸. محمدی ری‌شهری، محمد، و احمد غلامعلی، *حکمت‌نامه جوان (عربی - فارسی)*، ترجمه مهدی مهریزی، چاپ هشتم، دار الحدیث، ۱۳۸۹ ش.

۴۹. مصباح یزدی، محمدتقی، *آموزش عقائد*، چاپ چهل و پنجم، قم، بین‌الملل، ۱۳۸۹ ش.

۵۰. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، چاپ دهم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.

۵۱. مهدی‌زاده، حسین، *بیش تمدنی: منظومه اعتقادات اجتماعی (تقریری از کلام اجتماعی حجة الاسلام و المسلمین سیدمحمد مهدی میرباقری)*، قم، کتاب فردا، ۱۳۹۳ ش.

۵۲. مؤسسه پیام امام هادی (علیه‌السلام)، *جوانی، فرصت نوآوری و شکوفایی*، چاپ دوم، قم، مؤسسه پیام امام هادی (علیه‌السلام)، ۱۳۸۹ ش.

۵۳. میرباقری، سیدمحمد مهدی، *ولایت الهیه ۱: جایگاه امام در نظام پرستش*، چاپ دوم، قم، تمدن نوین اسلامی، ۱۳۹۸ ش.

۵۴. میرزامحمدی، محمدحسن، محسن فرمهبینی فراهانی، و سهیلا اسفندیاری، «بررسی نقش آموزش‌های دینی در سلامت فردی و اجتماعی»، *فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، سال پانزدهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۰ ش.

۵۵. میرزایی، سلمان (خبرنگار)، «شاخصه‌های مسئولیت‌پذیری اجتماعی از منظر آیه‌الله مکارم شیرازی»، ۱۴/۰۱/۱۳۹۹ ش. قابل دسترس در خبرگزاری رسمی حوزه به نشانی <https://www.hawzahnews.com/news/893900>.

۵۶. وطن‌دوست، رضا و دیگران، *فرهنگ روابط اجتماعی در آموزه‌های اسلامی*، چاپ پنجم، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۹۴ ش.